

نگهگیری فرهنگ

قسمت ۴



ظاهر دقیق

۴- برقراری تمدنهای اولیه

رشد کشاورزی و مالداری، پیدائش صنعت، اعمار قدیمی ترین شهرها شهادت بر آن میدهد که انسان بطور فعال و جدی طبیعت را دگرگون می سازد. او شروع به ایجاد زیستگاه مصنوعی نمود. سازمان اجتماعی جامعه بیش از پیش بغرنج تر میگردد. انسانهای بوجود آمده بودند که انسانهای دیگر را رهبری مینمودند.

تقریباً در اوسط هزاره ۴ قبل از میلاد عیسوی، گذار بشریت از بدویت به تمدن آغاز گردیده است. شاخص این گذار، پیدائش اولین دولتها، رشد شهرها، خط، فورم های جدید مذهب و زنده گی فرهنگی است.

تمدن – مظهر عالی ترین مرحله رشد جامعه انسانی است که بعد از جامعه اولیه بوجود آمده است.

واژه "تمدن" از لغت لاتینی "سویلیس"، "ЦИВИЛИС" نشئت نموده است که معنی هم وطن، هم شهری و هم کشور را میدهد. تمدن با مسائیل مانند، غیر رسمی، وضعیت وحشی و بریری جامعه، رفتار غیر نیکو انسان با دیگران در مغایرت کامل قرار دارد.

انسانهای باستان در سرزمینهای شان جوامع عظیم سازمان یافته را با فرهنگ و مذاهب رشد یافته ایجاد نموده بودند که، آنها بنام "تمدن" یاد میگردند. تاریخ جهان باستان را میتوان بمتابه ای همزیستی و تعویض تمدنهای مختلف ارائه نمود.

تحقیقات علما ثابت کرده است که قدیمی ترین تمدن در وادی های رودخانه های بزرگ، در وادیهای حاصلخیز مانند: نیل، فرات، دجله، سند و رودخانه زرد بوجود آمده است. توده های وسیعی از مردم سعی و تلاش ورزیده اند. آنها در وادیهای رودخانه های شان شهرها و دهکده های را اعمار نمودند که بعد ها در یک دولت متحد گردید.

با وجود فاصله های زیاد و تفاوت های پیشرفت، تمدن باستان با هم در ارتباط گسست نا پذیر قرار داشت و مناسبات متقابل آنها با وجود تمدنها و فرهنگ های گوناگون به وحدت معین جهان باستان منجر گردید.

میر محمد غبار مؤرخ مشهور کشور در اثر خویش "افغانستان در مسیر تاریخ". فصل دوم. افغانستان از گذشته دور تا قرن ۶ قبل از میلاد "روند تمدن بشریت را به بررسی گرفته و چنین می نویسد:

(هزاران سال لازم بود تا انسان نیم برهنه و متوحش بمرحله تمدن برسد. زیرا تغییرات بزرگ ابتدا با بطاقت و کندی سیر میکند. این تغییرات بزرگ نیز در همه جا و در هر زمان یکسان نی بلکه در مراحل متفاوتی نظر به شرایط محیط طبیعی و اجتماعی به ظهور میرسد: این است که کانونهای تمدن قدیم که نماینده سیر تکاملی مجامع بشریت از همدیگر متمایز اند مثلاً در آسیا بین النهرین و سرزمین کلدیه قدیم ترین کانون تمدن جهان است که تاریخ آن از پنج هزار سال قبل از میلاد شروع میشود و مبادی علم ریاضی، نجوم و طب از آنها ست. **کانون دوم** تمدن کشور مصر در افریقا است که که از سه هزار سال قبل از میلاد معلومات حکمت، ریاضی و طب و نجوم داشتند. **کانون سوم** سواحل مشرقی مدیترانه و فلسطین است، که در آن فنیقیها و بنی اسرائیل از سه هزار تا دو هزار سال قبل از میلاد در بحر پیمائی، تجارت، صناعت، نساجی مخصوصاً الفبای مشهور فنیقی و همچنین بنی اسرائیل در دیانت و توحید و تاسیس دولت پیشقدم بودند. **کانون چهارم** کشور چین است که تاریخ آن از سه هزار سال قبل از میلاد تخمین میشود. چین دارای یک تمدن مستقل و در صنایع، نساجی،

نقاشی، سنگ تراشی، رنگ سازی، کنده کاری، کاغذ و با روت سازی، همچنین موسیقی، ادبیات و فلسفه، مترقی بود و فلاسفه، منجمین، مورخین و سیاحین عمده داشت. **کانون پنجم** فلات آریان و دوطرفه هندوکش (افغانستان و ایران) است. افغانستان از دو تا سه هزار سال قبل از میلاد دارای زراعت و آبیاری پیشرفته و شهر توانگر و پر نفوس بود. در طی هزار سال اول قبل از میلاد صنایع دستی، مسکوکات، طب و نجوم، نساجی و فلز کاری داشت. **کانون ششم** کشور هند است که یکنیم هزار سال قبل از میلاد شریعت و قانون، حکمت اُلهی و فلسفه، منطق و ریاضیات، طب و نجوم، میدانستند، و تمدن مستقل داشتند که درد کن و سیلون هم منتشر گردید. **کانون هفتم** در اروپا دوشبه جزیره یونان و ایتالیا بود، که از یک هزار سال قبل از میلاد کشور یونان اساس عظیمی برای علوم و فلسفه، طب و نجوم، ریاضی و هندسه، هیئت و غیره گذاشتند، و منبع نشر این تمدن در دنیا گردید. همچنین **روم قدیم** که پیرو و مقتبس از علوم یونان بودند مرکز و ناشر تمدن در قسمتی از جهان شدند. این تمدنها که با زحمت و کار کتله های بزرگ بشری بمیان آمد، همینکه در طی زمان مانع سیر ترقی جوامع میشد، با دستان مردم و یران و تمدن جدیدی ایجاد میگردید. (ص. ۳۲)

خصوصیات برجسته فرهنگ جامعه اولیه در آن است که او از عدم موجودیت فرهنگ رشد و پیدایش می یابد، چونکه قبل از آن کدام فرهنگ وجود نداشت.

فرهنگ جامعه اولیه را نسبت به فرهنگ جامعه معاصر نبائیت بیش از حد بدوی مورد بررسی قرار داد. واقعاً، فرهنگ معاصر نهایت بغرنج و پیچیده بوده و حاوی ساختار پیشرفته تری میباشد. اما بدوی بودن فرهنگ جامعه اولیه دلالت بر دست کم گرفتن آن بشمار نمی رود. انسانهای باستان قدم های بزرگ را برداشتند که ممکن بود اجراً آن بعید تر از اختراع کمپیوتر می بود. ماهیت این جهش را گذار از حالت مطلق غیر فرهنگی به حالت فرهنگی تشکیل میدهد.

یکی از قدیمی ترین تظاهر فرهنگ انسانی، ابزارهای اولیه از سنگ چقماق بشمار میرود که در قلمرو افریقای شرقی کشف گردیده است.

قدمات عمر آنها در حدود ۲، ۷ میلیون سال تخمین گردیده است. همانا، از همین زمان است که شمارش تاریخ فرهنگ جهانی آغاز گردیده است.

بطور کلی قدیمی ترین عصر فرهنگ بشری، به اعصار سنگی، آهنی و مسی (برنجی) تقسیم بندی میگردد. و در اساس این نامها مواداتی قرار دارند که از آنها برای ساختن ابزار استفاده میگردد.



پارینه سنگی در علم باستان شناسی و علوم دیگر اکثراً به چندین مرحله دسته بندی میگردد:

- ۱- پارینه سنگی بدوی (۱ میلیون - ۱۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح) .
- ۲- پارینه سنگی متوسط (۱۰۰ هزار - ۴۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح) .
- ۳- پارینه سنگی جدید (۴۰ هزار - ۸ هزار سال قبل از میلاد مسیح)

این تقسیم بندی در رابطه ای اصطلاح «انقلاب عصر حجر جدید» اهمیت به سزای دارد. در این مرحله تغییرات کاردینال (اساسی) در زندگی انسان باستان بوقوع پیوست، انقلاب عصر حجر جدید تخمیناً از زمان (۴۰ - ۳۵) هزارسال قبل از میلاد مسیح تاریخ گذاری میشود. در این زمان انسان هوشمند Homo Sapiens زندگی مینمود. علاوه بر آن، در مدت و زمان بسیار کوتاه شمار هنگفت افزار پیچیده مانند کمان و تیر، بعد ها بومرنگ (چوب خمیده ای که پس از پرتاب شدن نزد پرتاب کننده دوباره بر میگردد) کشف گردید. انسان دیگر پوست را بگونه ساده بتن نمی نمود، بلکه او را به شکل خاص میدوخت و بعداً میپوشید. بالاخره، خاصتاً در همین مرحله برون پیوندی (برون همسری) - چنان یک ساختمان جامعه بود که در آن عروسی بین افراد یک قوم منع قرار داده میشود، بوجود آمد.

رشد انسان و برقراری او بمتابه موجود فرهنگی همراه با تغییرات فیزیولوژیکی (روانی) بدرقه میگردد. انسان درختم عصرحجر جدید بطور مکمل به انسان مستقیم گشتار مبدل گردید و انگشت کلان بشکل کامل و نهائی از دیگر انگشتان جدا گردید. علت آن این بود که انسان از دستها برای گرفتن افزار استفاده مینمود و با لای آن کنترل و تسلط کامل داشت. بالاخره، حجم مغز انسان افزایش مییابد. مغز انسان باستان در مقائسه با مغز استرا لوپیتکوس Australopithecus از ۲، ۵ - ۳ مرتبه (تا به ۱۷۰۰ کوبیک سانتی متر) افزایش مییابد.

عبدالحی حبیبی در اثر خویش "سهم افغانستان در انتقال فرهنگ آسیای میانه" عصر حجر را مورد تحلیل قرار داده و چنین مینویسد:

(طبق موازین علمی بشر در تمام روی زمین مراتب زندگی عصرهای حجر را در غارهای کوهها سپری کرده و بعد دوره های سنگ صیقلی را با اختراع ظروف سفالی و بسط زراعت و زمینداری و اهلی ساختن حیوانات و مبادی دوره مفرغ را در دلتاها و مصبها و کنار رودخانه های بزرگ ادامه داده و در طول دره ها و امتداد مسیر رودخانه های طبیعی محسوب میشوند مهاجرت روی داده اند. (موافق باهمین اساسات کلی، تحقیقات باستان شناسی نیز واضح ساخته است که خاک افغانستان و سرزمینهای مجاور آن ایران و جمهوریت های آسیای مرکزی اتحاد شوروی (خاک ماورای جیحون = ترانس اوکسیا نا) و اراضی نیم قاره هندوستان و خاک چین همگی دوره های قدیم حجر و مدنیت های جدید حجر (نیولیتیک) و دوره های قبل از تاریخ و اعصاری را که اروپایان باصطلاح علمی (پری هستوریک) گویند و آنرا در وه مقدم بر عصر تاریخی ترجمه کرده میتوانیم - همه را دیده و سپری کرده اند.)

مرتضی راوندی در تاریخ اجتماعی ایران از قول تامسن مینویسد که:

"تامسن باستان شناس دنمارکی، در طبقه بندی مکشوفات باستان شناسی بر حسب ماده اساسی که برای ساختن افزارها بکار میرفت نظریه "اعصار" سه گانه را مطرح ساخت: عصر سنگ، عصر مفرغ و عصر آهن. این تقسیم بندی در تعیین مراحل ماقبل تاریخ به عنوان یک اصل پذیرفته شده سپس هر یک از این اعصار بنوبه خود به عهدهای مختلف تقسیم گردید. از این رو در عصر سنگ (حجر)، عهد های کهن سنگی میان سنگی و نوسنگی از یک دیگر متمایز شد. این عهدهای سه گانه هم به نسبت طرز ساختن و پرداختن سنگ و هم با توجه به هدفی که در بکار بردن آن تعقیب میشد بایک دیگر تفاوت دارند و هر یک بنوبه خود بدورانهای مختلف (کهن سنگی دیرین، کهن سنگی پسین، و نیز بدوره های و یا تمدنهایی که بآن این مجموعه آثار و بقایای مادی مشخص میباشد) تقسیم میشوند. در سال ۱۸۸۰ میلادی **مورگان** در کتاب خود (**جامعه کهن**) طبقه بندی دیگری پیشنهاد کرد که برخلاف طبقه بندی نخستین به ارزیابی تکنولوژیک اکتفا نمی کند بلکه بر پایه خصلت عمومی فرهنگ مادی هر دوران قرار گرفته است."

فردوسی بزرگ نیز برپایه عمومی فرهنگ جامعه، براساس فرهنگ حوزه تمدنی خراسان است که مراحل تکامل جامعه را مورد بحث و بررسی قرار میدهد و این بحث و بررسی رادر وجود شخصیت‌های مطرح در اسطوره و تاریخ خلاصه می‌دارد. شخصیت‌های مطرح ازسوی فردوسی در شاهنامه به ویژه در رابطه به تاریخ تکامل جامعه اکثراً سمبولیک اند و فردوسی شاید از میان چند صدشاه که از زمان مثلاً **طهمورث تا جمشید** گذشته باشد، کسی را که بانی یک مرحله معین از تکامل جامعه بوده، انتخاب نموده و آنرا به مثابه یک سمبول یک دوره مشخص تاریخ مد نظر آورده است.

در **شاهنامه یا دایرة المعارف بزرگ** حوزه تمدنی خراسان، فردوسی آغاز تمدن و مرحله مهم از دوران تکامل تاریخ و یا ذوب آهن رابا نام جمشید پادشاه پیشدادی بلخ به بیان می‌گیرد. وقتی جمشید به جای پدر به تخت شاهی تکیه می‌زند، فردوسی بزرگ به بررسی این دوره پرداخته می‌گوید:

زمانه برآسود از داوری - بفرمان اودیو و مرغ و پری
جهانرا فزوده بدو آبروی - فروزان شده تخت شاهی بدوی
منم گفت با فره ایزدی - هم شهر یاری و هم موبدی
بدان رازبد دست کوتاه کنم - روان راسوی روشنی ره کنم
نخست آلت جنگ را دست برد - در نام جستن بگردان سپرد
بفرکی نرم کرد آهنا - چو خود وزره کرد و چون جوشنا
زکتان و ابریشم و موی قز - قصب کرد پرمایه دیبا و خز
بیاموخت شان رستن و تافتن - بتاراندرن بود را بافتن
چو شد بافته شستن و دوختن - گرفتند ازو یکسر آموختن
زهرپیشه و رانجمن گرد کرد - بدین اندرون نیز پنجاه خورد
گروهی که کاتوزیان خوانیش - برسم پرستندگان دانیش
جدا کرد شان از میان گروه - پرستنده راجایگه کردکوه
بدان تا پرستش بودکارشان - نوان پیش روشن جهان دارشان

جامعه در همین عصر یعنی سلطنت جمشید، به تقسیم و تحلیل جامعه به طبقات معین نایل می‌آید. واینکار را جمشید هزارها سال پیش انجام میدهد. بنا بر گزارش فردوسی، جمشید جامعه را به چهار طبقه تقسیم مینماید و نقش هر کدام رادر اجتماع و روند تولید مشخص می‌سازد.

۱- طبقه کاتوزیان (ملاها)، ۲- طبقه نیساریان (سربازویا سپاهی)، ۳- طبقه دهقان، ۴- طبقه آهتو خوشی (طبقه صنعتگر = کارگر)

میرمحمد غبار مؤرخ مشهور کشورما در اثر خویش «افغانستان در مسیر تاریخ» جماعات اولیه افغانستان را به بررسی گرفته و چنین بیان داشته است:

"گرچه از جماعات اولیه و بی طبقات و اشتراکی دوره های قدیم افغانستان تا هنوز اطلاعاتی در دست نیست، ولی از ساختمان اجتماعی بعدی آنان نسبتاً معلومات بیشتری موجود است در این سازمان اجتماعی: پدر رئیس خانواده، ریش سفید و بزرگ، رئیس طائفه بود، از اتحاد چند طائفه، قبیله تشکیل میشد که رئیس آن انتخابی بود و گاهی از چند قبیله، اتحادیه بزرگ تری تشکیل میدادند. چنین معلوم میشود که افغانستان چندین هزار سال قبل از میلاد داخل یک تحول بزرگ اجتماعی شده، و در نتیجه انکشاف زراعت و آبیاری و وسائیل آن، بمرحله جامعه طبقاتی رسیده است. آثار ویرانه قصر های قدیمه در (نادعلی سیستان) نیز یکی از نشانهای قدیم جامعه طبقاتی افغانستان است."

البته انکشاف زراعت و آبیاری، باعث بوجود آمدن وادیهای سرسبز و شهر های پر ثروت و نفوس می گردید. این گونه شهر های متمول مورد هجوم قبایل بدوی نیز قرار میگرفت. شهر قدیم بلخ، که مرکز اقتصادی و سیاسی صفحات باختر بود، همیشه توریائی های سوار و چادر نشین آسیای مرکزی را به طرف خود میکشید. لزوم دفاع در برابر یغمای تورانی ها یکی از عوامل تشکیل دولت پر قدرت در افغانستان قدیم گردید. شرایط حیات اجتماعی طبقاتی، باعث تشکیل دولت میشد تا این تشکیل بتواند در داخل (حکمیت) کند و در حالت خطر، جنگ را اداره نماید، زیرا این دو وظیفه اساسی دولتهای اولیه بود، و این بعدها بود که دولت قوی شد و به جزء وکل امور مردم پرداخت.

باستان شناسان عصر سنگ را به دو مرحله عمده تقسیم بندی مینمایند: عصر سنگی بدوی - پارینه سنگی و عصر سنگی جدید- نوسنگی. مدت عمر پارینه سنگی صدها هزار سال ادامه یافت. نوسنگی فقط چند هزار سال طول کشید و درمقائسه با زمان پارینه سنگی، او چند دقائق شمرده میشود. پس کدامین . . . ؟؟؟

دوازده هزار سال قبل، در جلگه وسیع نزدیک و شرق میانه که از بحر مدیترانه تا به لبه جنوبی صحرای قره قروم و کوههای هندوکش امتداد داشت، تعدادکثیری قبایل مجموعه داران (کشاورزی)،

شکارچیان و ماهیگیران زندگی مینمودند. درینجا، حیوانات بزرگ نادر و کمیاب بود، اما مناطق کوهی را چمن زارهای ضخیم و درختهای میوه دار پوشانده بود. آنها مجبور بودند با شرایط جدید خویشرا سازگار و آماده سازند. غذای نباتی مالدار و جمع آوری را عوض نمودند. اما، اقلیم (آب و هوا) خشک میگردد و به تعداد نفوس روز بروز افزایش بعمل می آمد. برای آنکه از گرسنگی تلف نگردند، مجبور بودند که تدابیری اتخاذ نمایند. انسانها به کشاورزی و مالدار و شروع نمودند، آنها نه تنها از آن استفاده مینمودند، بلکه به کاشتن نباتات، اهلی نمودن و نسلگیری نژاد حیوانات پرداختند. در پیامد خویش درحقیقت یک انقلاب واقعی در تاریخ تکامل بشریت بود. بر حسب نام گذاری این دوره، زمانیکه این انقلاب بوقوع پیوست - عصر حجر جدید و یا اورا طبق معمول بنام نو سنگی مسما گردید.

برای اولین بار انسانها به تولید بیشتر جهت رفع نیازمندیهای ضروری شان پرداختند، سطح زندگی شان بالا رفته بود و بسیار سریع تعداد نفوس رشد نمود.

قرن سنگی را، آغاز استقرار انسان نامیده است، این پروسه در حدود ۲، ۵ میلیون سال قبل آغاز گردیده و در هزاره سوم قبل از میلاد عیسوی به اتمام رسیده است که بیش از ۲ میلیون سال را در بر گرفته است. عصر سنگ به چند مرحله تقسیم بندی گردیده است: پارینه سنگی بدوی، پارینه سنگی میانسنگی و پارینه سنگی جدید.

خاکستر قدیمی ترین انسان و ردپای فعالیت او در افریقای شرقی، در تانزانیا (در تنگه اولدو و ایسکی) کشف گردیده بود که او را بنام انسان - هایبلیس (homo - habilis)، انسان توانمند نامیده است. از سنگریزه ها برای ساختن مواد افزار کار استفاده می گردید. از آن سفت و سطح برش آراسته میگردد. باساس علم باستان شناسی قدیمی ترین فرهنگ - فرهنگ "اولدو و ایسکی" نامیده شده و از نظر زمانی در حدود (۷۰۰ هزار - ۵، ۲ میلیون) سال را در بر میگیرد. به تعقیب آن فرهنگ "شیل"، "Shel" و "آشیل"، "ashel" است. "شیل"، "Shel" و "آشیل"، "ashel" نامهای شهرهای فرانسوی است که (۷۰۰ هزار - ۱۴۰ هزار) سال قبل را در بر میگیرد. این فرهنگ ها مربوط قرن عصر حجر بدوی است. عصر حجر متوسط - دوره (۱۴۰ هزار - ۴۰ هزار) سال قبل زمان فرهنگ "آشیل"، "ashel" و "Mousterian" (در مغاره فرانسه) را در بر میگیرد.

اثرات اقامت انسان در منطقه ای قزاقستان به یک میلیون سال قبل میرسد. و این اثرات، افزارهای سنگی از قبیل چاقوها، تبرها و دشنه ها بود که به عصر حجر سنگی دیرین ارتباط میگیرد. درجه

تکامل این انسان به مرحله homo erectus "انسان مستقیم گشتار" قرار داشت. او استعمال آتش، شکار کردن و جمع آوری و زرع را میدانست.

قدیمی ترین ابزار کار تبر و دشنه بود که توسط حفاریان در دامنه های وسیع جنوب غرب در محدوده "کاراتاو" در تراسهای سیلابی در کنار رودخانه ای "آریستاندی" در دهکده "کونیر دیک" کشف گردیده بود.

اقامتگاه انسان پارینه سنگی دیرین، جائیکه هزار ها تبر، کاردهای نوک تیز و افزار دیگر کشف گردیده است، "تانیروزگان" و "بوری کزگان" است که در شمال شرق شهر "کراتاوا" ولایت شامبیلسکی واقع گردیده است. بناهای تاریخی آن دوره در قسمت های دیگر قزاقستان نیز وجود دارد. در قزاقستان مرکزی، اقامتگاه "کودای کول" است که در شمال شرق در لبه "ساری-آرکی" و اقامتگاه های "ژامان - آبیات"، "ژیزکیزگان"، "اوبالیسای" و "ژیزدینسکی" در ولایت کراگاندینسکی واقع گردیده است. در قزاقستان جنوبی این اقامتگاه در سواحل رود خانه "کولگوتی" در نزدیکی دهکده "کاراتوگای" در ناحیه "کورچومسکی" واقع گردیده است.

در قزاقستان اثرات زیادی از پارینه سنگی میانسنگی کشف گردیده است. این اقامتگاه در لوله "کراسو" در قسمت راست سواحل "آریستاندی" در جنوب ولایت قزاقستان و در قزاقستان مرکزی این کشفیات در اوسط رود خانه "ساری سوو" در لوله "باتپیک" در قسمت شمالی "کراگاندی" و در جنوب قزاقستان در شبهه جزیره ای "مانگیشلاک" واقع گردیده است.

پارینه سنگی اخیر دوره (۱۰ هزار - ۴۰ هزار) سال قبل را در بر میگیرد. در آن زمان، انسان در تمام مناطق اقلیمی کره خاکی ساکن گردیده بود، نژاد و گروههای قومی شکل گرفته بودند، مناسبات اجتماعی مشخص گردیده بود و خانواده بمثابة فورم سازمان اجتماعی بوجود آمد و سازمان قبیله ای مادی (اقتصادی) بود. زن نقش رهبری کننده را در اجتماع داشت، رول زن بمثابة ادامه دهنده نژاد بود. این دوران استقرار انسان معاصر که بنام homo sapiens نیز یاد میگردد. تصورات انسان در ساحه معنوی بغرنج و پیچیده گردیده بود و اشکال مذهب باستانی و هنر و همچنان کیش شکار سحر و جادو که در اساس آن عقیده بخاطر کسب قدرت بالای حیوانات از طریق کسب روش (شکل) و سمبول آن بود، مروج و معمول گردیده بود. موضوع عمده هنر باستان - انعکاس حیوانات، کنده کاری و مجسمه سازی بود. مجسمه زن که از استخوان، سنک و سفال برش و ساخته میشود، تمثال

حاصلخیزی زمین محسوب میگردید. در قزاقستان بیش از ۱۳۰ باب انبار عظیم تصویر سنگی کشف گردیده است.

تصویرات در مورد روح، در مورد زندگی پس از مرگ در بر گزار می مراسم تدفین تظاهر مییافت. جنازه با پودر قرمز آلوده میگردید، با دستبندها و گردنبندها آراسته میگردیدند. در قبر توتی ای استخوان و سنگ را میگذاشتند. از همان زمان بود که نورم های مربوط به مناسبات متقابل بین انسانها بوجود آمده است.

گزار بین عصر سنگی بدوی- پارینه سنگی و عصر سنگی جدید - پارینه سنگی نو، عصر سنگی متوسط - میانسنگی بشمار میرود. او دوره ای X-V هزاره قبل از میلاد عیسوی را دربر میگیرد. مشخصه ای میانسنگی در اقلیم پارینه سنگی تجسم مییابد. ماموتها و کرگدنهای پشم دار منقرض میگردید، تیر و کمان کشف گردیده بود. اسپها، خرگوشها، خرطوم فیل و تورها و شماری از حیوانات دیگر موضوع شکار را تشکیل میداد. اقامتگاه میانسنگی در سواحل رودخانه ها، دریاچه ها واقع گردیده بود. این استخرها (جای آبگیر) - "ایر تیش"، "ایشیم"، "توبول" و "اورال" بود. مشهورترین اقامتگاه میانسنگی در "ماگستا او" و "کیزیلسو" مییاشد.

مرحله بعدی تکامل عبارت از پارینه سنگی- عصر جدید سنگی و Eneolithic - عصر مس بمتابیه گزار به عصر فلزات تلقی می گردد. پارینه سنگی و نیولیت زمان هزاره V و ربع دوم هزاره ۱۱ قبل از میلاد عیسوی را در بر میگیرد. این مرحله ترقی و تکامل فرآوری تخنیک سنگ است. چنین تکنیکهای (روشهای) مانند سنگ زنی، سفالی، اره کردن بکار برده میشد. تبر، خمیاره، داس، کج بیل را می ساختند. استخراج معادن بدوی، نساجی و سفالگری کشف گردید. صنعت بوجود آمد، اولین مواد فرعی ضد آتش کشف گردید. سازمانهای اجتماعی پیچیده گردید، طائفه و اتحاد قبائیل بوجود آمد.

در قزاقستان بیش از ۶۰۰ اثرات تاریخی آن دوره وجود دارد که در اقامتگاههای مختلف قرار داشتند که در اینجا نامبردن آن بطور مفصل موضوع بحث ما نیست.

مشخصات اینوتیک eneothice- به معرفی فلزات، بویژه افزار مسی در زندگی انسانها می پردازد. و او در تمام انواع جدید علوم باستان شناسی انعکاس می گردد: تخت کف، آرائش غنی سفالگری، پلاستیک خورد و ریزه و مسکن.

در مناطق جنوبی، جا هائیکه کشف افزار مسی برای زمینداران و مالداران امکان داد که به موفقیت های مزید در رشد تولید نائل آیند، متمایز ترین اینو لیتیک شناخته شد. در جلگه های وسیع از برکت رشد مالداری، اینولیت نه تنها با تنزل صنعت سنگی بلکه با عالی ترین سطح رشد و تکامل خویش همراهی و دنبال میگردید.

فرهنگ اینولیت بوتایسکی- در شمال - جنوب قزاقستان در سالهای (۳۱۰۰-۳۷۰۰) قبل از میلاد عیسوی موجودیت داشت. در حدود ۲۰ شهرک (اسکان) در امتداد رودخانه های جلگه وسیع بی درخت (صحرا) کشف گردیده است و موادهای اساسی این دوره سنگ، استخوان و گل بود. شغل های عمده مالداری، شکار و ماهیگیری بود. این فرهنگ در ذات خود از فرهنگ سورتاندینسکی (ماوراء اورال) سرچشمه و نشئت میگیرد.

فرهنگ سورتاندینسکی (ماوراء اورال) - فرهنگ باستانشناسی اینولیت بدوی ماوراء جنوبی اورال و صحرای قزاقستان در هزاره (III-IV) قبل از میلاد عیسوی است. شهرک سورتاندی در ناحیه باشکورتوستان آذربایجان در ۴۰ کیلو متری مگنیتورس واقع گردیده است. مشخصه آن: افزار وفور سنگی از یشم و محصولات مسی بدوی اورالی، سفالی و تزئینی در ظروف بوده است. استخوانهای حیوانات خانگی مانند گوسفند، گاو و حیوانات شادار دیگر نیز کشف گردیده و انسانها حاکم بر اسپ بوده اند.

ادامه دارد . . .

منابع:

А. А. Горелов

полный курс

Культурология В Вопросах и ответах

За три ДНЯ

Если хочешь сэкономить время-это книга для тебя

۳۰، ۲۹، стр

درس کامل -

آ. آ. گوریلوف

مطالعات فرهنگی (کلتورولوژی): پرسش و پاسخ

در طول سه روز

اگر می خواهید به وقت صرفه جویی نمایید، این کتاب برای شما مناسب است

صفحات: ۳۰، ۲۹

В. А. Соколов

Культурология (Шпаргалки) Для студентов ВУЗОВ

Растов-на-Дону ۲۰۰۸ .

Раздел. певобытня культура .стр ۴۶، ۴۴

- کلتورولوژی برای متعلمین موسسات تحصیلات عالی "دزدی ادبی (نقل کردن)"

بخش. فرهنگ اولیه. ص، ۴۴، ۴۶

نوشته: ب. آ. سک洛夫 سال ۲۰۰۸

Матюшин Г. Н. Археологический словарь. - М. : Просвещение: АО "Учеб. лит. ",

۱۹۹۶. - ۳۰۴ с. : ил. ISBN ۵-۰۹-۰۰۴۹۵۸-۰ .

- لغاتنامهء باستان شناسی. مؤلف گ. ن. ماتیوشین. سال ۱۹۹۶ ص. ۳۰۴

- کتاب درسی پوهنتون دولتی مسکو بنام م. ف. لوموسوف. فاکولته تاریخ. شعبه "باستان شناسی" سال ۲۰۱۱

МОСКОВСКИЙ ГОСУДАРСТВЕННЫЙ УНИВЕРСИТЕТ

имени М. В. ЛОМОНОСОВА

ИСТОРИЧЕСКИЙ ФАКУЛЬТЕТ

АРХЕОЛОГИЯ

на историческом факультете

программы учебных курсов

Под редакцией

академика РАН, проф. В. Л. Янина и доц. А. Р. Канторовича

Допущено УМО по классическому университетскому

образованию в качестве учебного пособия

для студентов высших учебных заведений, обучающихся

по направлению подготовки ВПО ۰۳۰۶۰۰ «История» ۲۰۱۱ Москва

- سایتهای انترنیتی در مورد انسانها ی باستان به لسان روسی

- عبدالحی حبیبی "سهم افغانستان در انتقال فرهنگ آسیای میانه" فصل اول. دوره ماقبل آریائیها.

- علی احمد کهزاد "فروغ فرهنگ»

- میر محمد غبار «افغانستان در مسیر تاریخ. فصل دوم. افغانستان از گذشته دور تا قرن ۶ قبل از میلاد" (ص. ۳۲، ۳۴)

- کتاب نام و ننگ. تولد دوباره خراسان کهن در هزارهٔ نوبامقدمهٔ دکتور مسعود میرشفاهی نوشته سلیمان

آدرس برقی:

zaherdaqiq@gmail.com

[zdaqiq@facebook.com](https://www.facebook.com/zdaqiq)

مورخ ۲۰۱۱-۰۹-۱۸

ظاهر دقیق - هاند

www.esalat.org